



حسن‌های‌زاده

تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل

گفته می‌شود بشار اسد در سفر به مسکو قصد داشت در مراسم پایان دوره تحصیلی فرزند ارشد خود «حافظ» که در دانشگاه مسکو تحصیل می‌کرد، شرکت کند. از این رو همسر و دو فرزند دیگر بشار اسد همراه او بودند اما رئیس‌جمهوری سابق سوریه با شنیدن خبر سقوط شهر حلب، خانواده خود را در مسکو باقی گذاشت و خود به سرعت به دمشق بازگشت. اسد به فکر فرورفت و شاید احتمال می‌داد که یک دادوستد سیاسی بین بازیگران بحران سوریه صورت گرفته و او قربانی این بده بستان‌های سیاسی شده. قبل از حمله گروهک‌های تروریستی به حلب و حماه و سپس حمص و در نهایت دمشق دو اتفاق روی داد که مقدمات سقوط دمشق و پایان حاکمیت ۵۴ ساله علوی‌ها بر سوریه را رقم زد. نخست، پیام‌های محرمانه ترکیه و برخی کشورهای عربی از جمله قطر به ژنرال‌های ارتش سوریه در اطراف حلب و حماه و حمص بود که اگر سلاح‌های خود را بر زمین بگذارند در آینده سیاسی سوریه از هر گونه تعرضی مصون خواهند بود. این پیشنهاد همراه با مشوق‌های مالی و تضمین سلامت ژنرال‌های ارتش سوریه بود که همین امر موجب بروز دو دستگی بین ژنرال‌های علوی و ژنرال‌های سنی مذهب شد. حضور تفنگداران دریائی آمریکا در استان نفت خیز دیرالزور سوریه موجب شد تا دولت بشار اسد برای تأمین هزینه‌های جنگی و پرداخت حقوق ماهانه نیروهای مسلح با مشکل مواجه شود. آمریکا از سال ۲۰۱۵ استان دیرالزور را که تنها منطقه نفت خیز سوریه تلقی می‌شود اشغال کرد و با کمک ترکیه نفت این منطقه را استخراج کرده و در بازارهای بین‌المللی به فروش می‌رساند. ژنرال سهیل الحسن که از فرماندهان شاخص علوی مذهب بود بلافاصله گزارش محرمانه‌ای پیرامون شرایط ارتش به دفتر بشار اسد ارسال کرد اما سرعت حوادث و پیشروی سریع گروه‌های مسلح به سمت حمص امکان هرگونه تصمیم‌گیری را از اسد محو کرد. موضوع دیگر، بازیگران بحران سوریه از جمله ایران، روسیه و ترکیه در چارچوب روند آستانه برای کاهش تنش در سوریه بود که وزرای خارجه این کشورها نشست‌هایی در بغداد و دوحه قطر برگزار کردند. در نشست دوحه وزرای خارجه مصر، عربستان، امارات واردن نیز شرکت داشتند و سازوکارهای اجرایی شدن روند آستانه مورد بحث قرار گرفت. مجموعه گفت‌وگوها نشان می‌داد که نظام بشار اسد دیگر قادر به مقاومت در برابر گروهک‌های تروریستی نیست و باید برای سوریه پس از بشار اسد برنامه‌ریزی کرد. توافقنامه آستانه در سال ۲۰۱۶ و در اوج بحران سوریه میان وزرای خارجه ایران، ترکیه و روسیه برای کاهش تنش‌ها در سوریه امضاء شد. از آن زمان بود که هیات تحریرالاشام به رهبری ابومحمد الجولانی به استعداد ۳۰ هزار جنگجو در شهر ادلب در شمال غرب سوریه تحت آموزش اسرآن ارتش ترکیه، آمریکا و اسرائیل قرار گرفتند. برنامه‌ریزی و راهبرد عملیاتی برای سرنگونی دولت بشار اسد به صورتی پنهان آغاز شد و گردان‌های رزمی هیات تحریرالاشام متناسب با آمادگی رزمی و طبیعت جغرافیائی منطقه سازماندهی شدند. ساعت از نیمه شب یکشنبه ۸ دسامبر گذشته بود که فرماندهی ستاد ارتش روسیه در پایگاه الحمیمیم لاذقیه دستوری از کرملین مبنی بر انتقال آرام و محرمانه بشار اسد و همراهان وی به مسکو را دریافت نمود. اسد پس از ۲۴ سال حکومت بر آشوب و بحرانی بر سوریه با خروج از دمشق به حاکمیت ۵۴ ساله علوی‌ها بر سوریه پایان داد و این کشور وارد یک فضای جدید سیاسی، اجتماعی و نظامی شد. با ورود فاتحانه گروه‌های مسلح هیات تحریرالاشام به دمشق و سقوط دولت بشار اسد این کشور از معادلات سیاسی و امنیتی خارج شد. اما نیز مجموعه محور مقاومت خارج شد. تشکیل یک دولت انتقالی وابسته به آمریکا، ترکیه و رژیم صهیونیستی با رویکرد هائی به ظاهر اسلامی برای ملت سوریه قابل تحمل نیست. ابومحمد الجولانی که آمریکا بیش از ۱۰ سال برای دستگیری او جایزه تعیین کرده بود قادر به حکومت بر ملت سوریه نخواهد بود. تنوع مذهبی و قومی گسترده و نگاه‌های ضد صهیونیستی اغلب طوایف موجود در سوریه موجب نخواهد شد تا این کشور به سرانجام ارتش و ملت علیه این مجموعه‌های تروریستی قیام خواهند کرد. سوریه به گفته ناپلئون «قلب خاورمیانه» و به گفته هنری کیسینجر وزیر خارجه اسبق آمریکا «بدون تسلط بر سوریه نمی‌توان بر خاورمیانه تسلط پیدا کرد»، نشانه اهمیت ژئوپلتیکی این کشور است. خروج سوریه از محور مقاومت و تسلط گروهک‌های تکفیری بر مقدرات این کشور یک مرحله گذراست و در نهایت این کشور روزی روزگاری به آغوش محور مقاومت باز خواهد گشت.

جعفر قناد باشی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

ادعای تغییرات نتانیا‌هو

در خاورمیانه

کارکرد داخلی دارد



شرح سوریه برای حذف حوثی‌ها در یمین قابل اجرا نیست



آرمان ملی - احسان اسقایی: بنیامین نتانیا‌هو نخست‌وزیر اسرائیل بعد از حادثه ۷ اکتبر اعلام کرد که نقشه خاورمیانه را تغییر خواهد داد. او بعد از توافق با لبنان بر سر آتش‌بس و سرنگونی دولت بشار اسد در سوریه بار دیگر این ادعا را تکرار کرد. این روزها خبرهای مختلفی از بیماران مراکز نظامی و فرودگاه‌های بین‌المللی منتشر می‌شود و فشار بر حوثی‌ها برای عقب رفتن از مواضع شان از منظر سیاسی و نظامی تشدید شده است. برخی معتقدند اسرائیلی‌ها همچنان سیاست‌های خود را دنبال می‌کنند و در تلاش هستند تا خاورمیانه را برای اجرای کامل طرح آبراهام آماده کنند که وقتی تراپ کارش را آغاز کرد، بتواند گام نهایی را برای صلح

در روزهای اخیر شاهد موج جدیدی از فشار نظامی و سیاسی به انصارا... در یمین هستیم. با توجه به حمایت و همراهی بعضی کشورهای منطقه از آمریکا، آمریکایی‌ها چه هدفی را دنبال می‌کنند؟

کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای از جمله عربستان سعودی نقشه‌هایی برای یمین دارند. درگذشته جنگی رسمی بین عربستان و یمین وجود داشت. اکنون نیز در نظر دارند، تحرکاتی را علیه یمین آغاز کرده و نفوذ خود را تا صعا ادامه دهند. درست است که حوثی‌ها و عربستان به آتش‌بس رسیده‌اند اما این آتش‌بس کامل و دائمی نیست. لذا امارات و عربستان تلاش‌هایی برای سرکوب حوثی‌ها و افزایش نفوذ خود در یمین آغاز کرده‌اند اما همان‌طور که در طول چند روز گذشته دیدیم، نتوانستند به دستاوردی در این زمینه برسند. انصارا... اخیرا نتوانسته تحرکات از سوی عربستان و امارات را سرکوب کرده و حتی مناطقی را که آن‌ها در اختیار داشته‌اند را باز پس گیرد.

سناریوی استفاده از نیروهای مسلح داخلی علیه انصارا... تا چه اندازه در یمین محتمل است؟

این سناریو در دستور کار آن‌ها قرار دارد و می‌کوشند علیه حوثی‌ها با استفاده از نیروهای داخلی تحرکاتی را ایجاد کنند اما باید به این نکته توجه کرد که تفاوت‌های آشکار با سوریه دارد. چراکه تضادها و دوگانگی‌ها و اختلافات و شکاف‌های قوم و قبیله‌ای و مذهبی‌ای که در سوریه وجود داشته، در یمین مشاهده نمی‌شود. ضمن اینکه انصارا... بسیار خوب و منسجم و هماهنگ توانسته در برابر تجاوزات مقاومت کند. دقیقا عکس ارتش سوریه که تمرکز و انسجام نداشت. مردم یمین و حوثی‌ها با مردم سوریه تفاوت دارند و از زمانی که جنگ را آغاز کرده‌اند هدف خود را حمایت از کودکان و مردم غزه قرار داده‌اند. با توجه به تحرک حوثی‌ها در قدرت اثرگذاری آنها در معادلات و همراهی مردم یمین، به روشنی می‌توان پیش‌بینی کرد که تکرار سناریو سوریه در این کشور ممکن نیست و به عبارت بهتر طرح سوریه برای سرنگونی حوثی‌ها در یمین قابل اجرا نیست.

با این حال وجود سناریوهای دیگر را در ارتباط با یمین ممکن می‌دانید؟

حتما همین‌طور است. بمباران‌های کنونی در راستای سناریوهای طراحی شده است. بعید نیست حتی سناریویی که در ارتباط با حزب... اجرا کردند و حسن نصرا... را به شهادت رساندند، برای از بین بردن توان حوثی‌ها در نظر داشته باشند یعنی تلاش می‌کنند تا ضربات کاری به حوثی‌ها وارد کنند. با این وجود بعید است بتوانند برای انصارا... در یمین چالش ایجاد کنند.

چرا مقاومت در یمین کمتر از مقاومت در سایر کشورهای منطقه ضربه‌پذیر است؟

عوامل مختلفی برای عدم ضربه‌پذیری حوثی‌ها وجود دارد. اول اینکه فاصله یمین تا اسرائیل حدود ۲۰۰۰ کیلومتر است. در این فاصله انجام عملیات موثر دشوار می‌شود. از این رو اسرائیل نمی‌تواند آن‌طور که مقاومت در لبنان را بمباران می‌کرد، علیه حوثی‌ها اقدامی انجام دهد. اصل مسئله البته مردم یمین هستند. یمینی‌ها هنوز تحت تأثیر زندگی غربی قرار

نگرفته و آداب و آموزه‌های اسلامی در یمین نقش بسزا و عمیقی دارد و از این رو مردم یمین انگیزه زیادی برای مقابله با رژیم صهیونیستی دارند. شاید بتوان گفت در بین کشورهای عرب، بیشترین انگیزه برای مقابله با صهیونیست‌ها بین مردم یمین وجود داشته باشد. انصارا... نیز البته در این سال‌های جنگ به خوبی یمین را اداره کرده است. ضمن اینکه حوثی‌ها در مدت ۹ ساله جنگ انواع و اقسام بمباران‌ها را تجربه کرده‌اند. از این رو انصارا... آسیب‌ناپذیر شده و آمادگی آن را دارد که ضربات محکمی هم به طرف مقابل وارد کند. امروز یمین حتی در برابر حملات احتمالی از سوی عربستان

اعراب و اسرائیل بردار. برخی نیز اعتقاد دارند اساسا این طرح حتی طرح‌های میانه‌تر یعنی طرح احداث دو کشور اسرائیل و فلسطین هم در شرایط کنونی امکان اجرا ندارد. در هر صورت به نظر می‌رسد چپبه‌های قدرت در منطقه در حال بازی با اهرم‌های مختلف هستند تا در آینده نقش بیشتری در معادلات قدرت در منطقه داشته باشند و به همین دلیل احتمالا شاهد تحولات زیادی در منطقه خواهیم بود. «آرمان ملی» برای بررسی شرایط منطقه و حملات آمریکا و اسرائیل به یمین با جعفر قناد باشی کارشناس روابط بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است. قناد باشی معتقد است آمریکا و اسرائیل نمی‌توانند به نتایج مورد نظرشان دست یابند.

تبلیغاتی ایجاد کند.

اکنون چرا تا این حد به سوریه نفوذ کرده‌اند؟

آن‌ها به شدت نگران هستند که شرایط در سوریه ناگهان تغییر کند. چراکه می‌دانند نهایتا سوری‌ها از آرمان فلسطین دفاع می‌کنند. آن‌ها برای اینکه نگرانی‌های خود را برطرف کنند طرح‌هایی مانند خاورمیانه بزرگ و حضور در سوریه را اجرا می‌کنند. تغییر مرزهای اسرائیلی در شرایط کنونی منطقه بیشتر شبیه طنز است. اسرائیلی‌ها به شدت نگران سوریه قدرتمند هستند. مردم سوریه اگر سلاح داشته باشند به سمت اسرائیل هدف خواهند گرفت. اینکه آن‌ها ۶۰۰ نقطه مختلف نظامی و مراکز حساس سوریه را بمباران کرده و یا در مرزها تلاش می‌کنند که نقاط استراتژیک را اشغال کنند برای رفع نگرانی‌هایشان است.

محمد الشرع چرا تا اینجا در برابر اسرائیل و دست‌اندرازی آنها به خاک سوریه سکوت کرده است؟

بالاخره او خود را رهبر سوری‌ها نامیده...

تحریرالاشام از ابتدا توسط ترکیه مسلح شد و حتی پهادهایی در اختیار آن‌ها قرار گرفت و سربازانی اویغوری برای آنها می‌جنگند. سلاح‌های جنگ شهری پیشرفته‌ای در اختیار تحریرالاشام بود و حتی از قبل به آن‌ها گفته شده بود که باید مواضعی را رعایت کنند. مواضعی که مورد توجه آنکارا است. آنکارا همان پایتختی است که فشارهای جهانی را در قطع لوله‌گاز به اسرائیل نپذیرفت و همچنان به اقتصاد اسرائیل کمک می‌کند. لذا در دستورالعملی که برای جولانی نوشته شده، بر خورد با اسرائیل وجود ندارد. پیوسته دستورالعمل‌های جولانی اصلاح می‌شود و حامیان او به هیچ وجه خواستار حمله به اسرائیل نیستند. خود محمد الشرع بیشتر در تلاش است به مخالفان داخلی علیه بزند اسرائیل. لذا نمی‌توان توقع تحرک از جولانی ضربه‌زنی اسرائیل را داشت.

ترکیه تا چه اندازه می‌تواند به دستاوردهایی که در سوریه به دنبال آن است، خصوصا غیرمسلح کردن کردها، دست یابد؟

ترکیه مشکلات زیادی دارد، از جمله مشکلات آنکارا و مشکلات و چالش‌های اقتصادی و نظامی است. اینکه قصد داشته باشد کشور پهناوری مانند سوریه را اداره کند، ممکن نیست و این مورد خارج از توان ترکیه است. ضمن اینکه سوریه تا آرام هزینه‌های ترکیه را افزایش می‌دهد. کردهای سوریه مسلح هستند و تسلط ترکیه را بر مناطق امن خود نمی‌پذیرند. کردها اکنون ۱۶ استان کرد سوریه را زیر سلطه خود می‌خواهند که این مورد از منظر سوریه و کردها غیرقابل پذیرش است. تحرکات ترک‌ها در سوریه در چارچوب عثمانی‌گری تلقی می‌شود. ضمن اینکه سقوط اسد در سوریه موجب فعال شدن ضمن قومیت‌گرایی و مذهبی در این کشور شده و حتما دامنه‌های آن به ترکیه هم کشیده خواهد شد و ترکیه را با چالش روبه‌رو خواهد کرد.

در ایران تحرکاتی برای برقراری رابطه دوجانبه با طرف پیروز در تحولات سوریه دیده می‌شود. کیفیت روابط دو طرف در آینده چگونه خواهد بود؟

سیاست ما در سوریه پذیرش یک دولت فراگیر است که بتواند بخش‌های مختلف و اقوام مختلف در سوریه را نمایندگی کند. لذا ایران اکنون دنبال آن است که روابط متعارفی را با سوریه داشته باشد و بر اساس چارچوب‌های دیپلماتیک با سوریه رابطه ایجاد کند تا اینکه دنبال روابط راهبردی باشد. دورنمایی که اکنون از سوریه ترسیم می‌شود، تحقق چنین روابطی را در میان مدت هم بعید نشان می‌دهد؛ خصوصا به واسطه ضرباتی که به علوی‌ها وارد شده است. از این رو نه تنها ایران بلکه بسیاری از کشورهای صبر کرده‌اند تا دوران ثبات در سوریه ایجاد شود. آنگاه در ارتباط با روابط دوجانبه و دیپلماتیک تصمیم بگیرند.

یمینی‌ها هنوز تحت تأثیر زندگی غربی قرار نگرفته و آداب و آموزه‌های اسلامی در یمین نقش بسزا و عمیقی دارد و از این رو مردم یمین انگیزه زیادی برای مقابله با رژیم صهیونیستی دارند

هم مقاومت تر شد است. شرایط جنگی، نوع نگاه مردم و شرایط جغرافیایی یمین اجازه نمی‌دهد که بلای سوریه دامین یمین را بگیرد.

حاکمیت و تسلط حوثی‌ها بر باب‌المنندب چقدر می‌تواند به یمینی‌ها در برابر ارتش آمریکا دست برتر بدهد؟

تسلط یمینی‌ها بر باب‌المنندب و دریای سرخ برکسی پوشیده نیست و تمامی طرف‌های مخالف حوثی‌ها در این منطقه زیر آتش تسلیحات یمینی‌ها قرار می‌گیرند. در این مدت حوثی‌ها به خوبی توانستند از این جایگاه نظامی خود در باب‌المنندب بهره‌برداری کنند.

نخست‌وزیر اسرائیل اعلام کرده که در حال ایجاد تغییر در خاورمیانه است. آیا اسرائیلی‌ها می‌توانند به اهداف خود برسند؟

عنوان طرح صلح ابراهیم از اساس غلط بود. چراکه کشورهایی که وارد عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل شدند، اصلا جنگی با اسرائیل نداشتند که بخواهند صلح کنند

اسرائیلی‌ها همیشه شعارهای بزرگ سر می‌دهند تا بتوانند حالت تهاجمی را در ارتش خود حفظ کرده و در داخل نیز امید ایجاد کنند و هم می‌خواهند جایگاه خود را در حمایت غرب از خود به کشورهای منطقه گوشزد کنند. اگر به چند سال گذشته بازگردیم تراپ در دوره گذشته ریاست جمهوری خود کوشید مسئله معامله قرن و به عبارت بهتر صلح ابراهیم را دنبال کند. عنوان طرح صلح ابراهیم از اساس غلط بود. چراکه کشورهایی که وارد عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل شدند، اصلا جنگی با اسرائیل نداشتند که بخواهند صلح کنند. به همین علت بود که آن طرح اجرایی نشد. لذا استفاده از این واژه‌ها تنها کارکرد تبلیغاتی در اسرائیل دارد. نتانیا‌هو حتی در گذشته دنبال ادغام کرانه باختری رود اردن به اسرائیل بود که نتوانست آن را اجرا کند. این شرارد هم بی‌محتوا بود و جنبه تبلیغاتی داشت.

نه تنها ایران بلکه بسیاری از کشورها صبر کرده‌اند تا دوران ثبات در سوریه ایجاد شود، آنگاه در ارتباط با روابط دوجانبه و دیپلماتیک تصمیم بگیرند

اکنون هم که بار دیگر طرح تغییر در خاورمیانه را بر زبان‌ها انداخته، تنها دنبال آن است تا برای خود خوراک

شکست تئوری سایه‌نشینی خواب‌های بی‌تغییر

سایه‌نشین‌ها انگار هنوز از دوران انتخابات بیرون نیامده‌اند و گویی همچنان مشغول فعالیت‌های انتخاباتی به نفع نامزد دلخواه خود هستند، یعنی سعید جلیلی. آنها مانند ایام تبلیغات انتخاباتی به صورت یکپارچه علیه دولت هجمه وارد می‌کنند، اتهام‌زنی می‌کنند و حتی به تازگی دست به خبرسازی می‌زنند و می‌گویند که مسعود پزشکیان از مسئولیت ریاست جمهوری استعفا داده است. انتخاب نوشت: این سایه‌راه‌هم نه‌با فعل آینده یا جمله‌ای پرسشی بلکه با فعل مضارع و به شکل خبری مطرح کردند که گویی دیگر کار تمام است و مردم باید به فکر رئیس‌جمهور بعدی باشند! آنها گویی که هنوز نمی‌توانند از رویای دیرینه‌شان یعنی پوشاندن لباس ریاست جمهوری بر سعید جلیلی دست بردارند، اما شاید وقتش رسیده باشد که از خواب بیدار شوند و به خود بقبولانند که این رویایی صادق نیست و هیچ وقت محقق نمی‌شود. آنها باید بداندند حتی اگر خبرسازی اخیرشان درست هم از آب درمی‌آید و به فرض که پزشکیان استعفا هم می‌داد، نوبت به جلیلی نمی‌رسید، اما این گزاره از کجا می‌آید و چرا جلیلی هیچ وقت نمی‌تواند رئیس‌جمهور شود؟ در همه ادواری که سعید جلیلی در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده است، او نتوانسته سرمایه اجتماعی قابل توجهی را با خود همراه کند و برخلاف آنچه پایداری‌ها و حامیان جلیلی ادعای‌کنند حامیان جلیلی در اقلیت محض بسر می‌برند. نه تنها او که حامیان‌ش هم وقتی می‌توانند به مجلس راه یابند که مشارکت در حداقلی‌ترین حالت خود قرار می‌گیرد و می‌بینیم که همفکران جلیلی در مجلس بعضا با کمتر از پنج درصد واجدان رأی دادن وارد مجلس شده‌اند. در حقیقت بزرگ‌ترین مشکل سایه‌نشین‌ها نداشتن پایگاه اجتماعی است و همین میزان رأیی که در رقابت با پزشکیان کسب کرده‌هم حاصل همه‌رأی اصولگرایان بود و چه بسا اگر او در دور دوم رقیبی اصولگرای داشت، بسیار کمتر از این میزان رأی کسب می‌کرد.

شکست گفتمانی

مسئله بعدی شکست گفتمانی جلیلی است. سعید جلیلی در همه این سال‌ها با گفتمان مقاومت، تقابل با غربی‌ها، نه به مذاکره و این دست مواضع معرفی می‌شد. طیف حامی او نیز همیشه با نفی گفتمان اصلاح‌طلبان و میانه‌رو بدون ارائه هیچ راهکاری صرفا مدعی کارآمدی خود می‌شدند. در این میان تجربه ثابت کرد که حامیان جلیلی و شخص او نه تنها در عرصه عملی برگ برنده‌ای ندارند بلکه تمام‌آنجیزی مدعی‌اش بودند، طلعات جبران‌ناپذیری را بر کشور تحمیل کرد. زمانی که سعید جلیلی در دولت محمود احمدی‌نژاد دبیر شورای عالی امنیت ملی و مسئول تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای بود که به قول علی اکبر ولایتی صفا در مذاکرات بین‌المللی بیانیه می‌خواند و نتیجه مذاکرات او وضع شدیدترین تحریم‌ها از سوی شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران شد و دومین تجربه بعد از دو دولت روحانی بود که حامیان او بار دیگر در دولت رئیس‌جمهور قدرت را به دست گرفتند که مردم نتیجه را در حوزه‌های مختلف اعم از اقتصادی-معیشتی، اجتماعی و دیپلماتیک دیدند. با این اوصاف جلیلی در حوزه گفتمانی هم شکست خورده است و دیگر مورد توجه اکثریت جامعه و اهالی سیاست نیست.

سه‌گام احیای بازدارندگی ایران

ادراک صحیح نسبت به تهدید و اتخاذ سیاست درست و کارآمد در برابر واکنش‌گن این فرصت را برای ایران فراهم آورد تا ضمن توسعه حوزه نفوذ در «عراق»، دامنه عمق راهبردی کشور را از خلیج عدن تا شرق مدیترانه گسترش دهد. این تحول بزرگ زمانی رخداد که نوع تقسیم کار میان دستگاه «دیپلماسی» و «میدان» ایجاد شد و هرکدام سعی کردند تا با ابزارهای خود منافع کشور را در سه منطقه «سفید»، «خاکستری» و «قرمز» دنبال نمایند. نتیجه عدم فرورفتن در لاک «دفاعی» و ترس از تحولات جاری در منطقه آن بود که ایران برای دو دهه قدرتمندترین بازیگر فعال در منطقه شرق عربی بود. اسرائیل با ضربه به حزب... و کمک به تغییر نظام سیاسی در سوریه قصد دارد تا اصطلاحا «حلقه آتش» مقاومت را در محیط پیرامون خود از بین ببرد. نتانیا‌هو و وزیر جنگ اسرائیل صراحتا تهدید کردند که سرنوشت حماس و حزب... در انتظار مقاومت اسلامی در یمین است. با نزدیک شدن زمان برگزاری انتخابات عراق، تحرکات داخلی و خارجی برای انحلال حشد الشعی و سایر شاخه‌های مقاومت قوت گرفته است. در چنین صحنه‌آرایی گام اول فهم و درک نقشه دشمن برای بازتعریف نظم منطقه غرب آسیاست.

۳ اقدام کلیدی ایران

برای متوقف کردن و سپس عقب راندن ماشین جنگی اسرائیل، در گام اول کشور باید سمت احیای «بازدارندگی» در برابر تل‌آویو برود. پس از عبور از اصطلاحا زمان گریز هسته‌ای، گام دوم در مسیر احیای «بازدارندگی» کشور و موازنه در بر آمریکا-رژیم صهیونیستی، تشکیل اتحاد راهبردی با یکی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون چین و روسیه است. پس از دو گام راهبردی ایجاد سپر هسته‌ای و اتحاد با قدرت فرامنطقه‌ای، گام سوم برای تغییر وضعیت و «میدان» به نفع منافع ایران و محور مقاومت، حرکت به سمت حوزه‌های نفوذ جدید در منطقه شرق عربی است. هنگامی که دشمن اقدام به قطع یکی از زنجیره‌های ارتباطی شما در منطقه غرب آسیا می‌کند، مقاومت نیز باید با اقدام مشابه اما غیرقابل پیش‌بینی اقدام به تغییر معادلات سیاسی در اردن هاشمی کند. این اقدام ضمن تسهیل روند انتقال سلاح به کرانه باختری، زمینه‌تأثیرگذاری بیشتر بر تحولات سوریه و لبنان را نیز فراهم خواهد کرد. چنین اقدامی در نگاه اول می‌تواند منبع تهدیدات جدیدی علیه منافع ملی کشور باشد اما نکته کلیدی آن است که اگر در این مرحله از جنگ ایران اقدامی موثری در راستای مهار دشمن در منطقه بر ندارد، امکان سقوط مقاومت عراق نیز به عنوان یکی از آخرین سنگرهای محور مقاومت وجود دارد.